

درس ششم ترجمه فعل مضارع (۲) مضارع مجزوم (حروف جازمه : لم- ل- لا)

حروف جازمه (لم- ل- لا) بر سر فعل مضارع می آیند و آخرش را مجزوم می کنند یعنی ضمه — را به ساکن — تبدیل کرده و (ن) مضارع را حذف می کنند بجز وزن (هُنَّ يَفْعَلْنَ وَاَنْتُنَّ تَفْعَلْنَ) ، همچنین معنای فعل مضارع را نیز تغییر می دهند.

يَسْمَعُ = می شنود لم يَسْمَعْ = نشنید ، نشنیده است

تَذْهَبُونَ = می روید لم تَذْهَبُوا = نرفتید، نرفته اید

يَكْتُبُونَ = می نویسند لم يَكْتُبُوا = ننوشتند ، ننوشته اند

نکته ۱) لم معنای مضارع را به ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی تبدیل می کند.

نکته ۲) (ل-) امر بر سر فعل مضارع می آید و معنای آن را به مضارع التزامی (باید) تبدیل می کند.

نَرْجِعْ = بر می گردیم لِنَرْجِعْ = باید برگردیم.

يَعْلَمُونَ = می دانند لِيَعْلَمُوا = باید بدانند

يَذْهَبُونَ = می روند لِيَذْهَبُوا = باید بروند

نکته ۳) لای نهی نیز همانند (لم، ل-) بر سر مضارع می آید و معنای آن را به نهی (نباید، نه) تبدیل می کند.

يَذْهَبُ = می رود لا يَذْهَبُ = نباید برود يُسَافِرُونَ = سفر می کنند لا يُسَافِرُونَ = نباید سفر کنند

تَذْهَبُ = می روی لا تَذْهَبُ = نرو تُرْسِلُونَ = می فرستید لا تُرْسِلُوا = نفرستید

نکته ۴) لای نفی نیز داریم که معنای مضارع را منفی می کند ولی به آخر مضارع کاری ندارد.

يَذْهَبُ = می رود لا يَذْهَبُ = نمی رود تَذْهَبُونَ = می روید لا تَذْهَبُونَ = نمی روید

نکته ۵) ل- بین حروف ناصبه و جازمه مشترک هست، غالباً اول جمله جازمه ولی وسط جمله ناصبه هست. هر چند بهترین راه تشخیص معنی می باشد.

(ل-) جازمه = باید معنی می شود ولی (ل-) ناصبه = تا ، تا اینکه معنی می شود.

المؤمنونَ ليعبدوا الله =

ذَهَبَ المؤمنون الى المسجد ليعبدوا الله =

نکته مهم:

نکته ۶) حروف ل- بر سر بیشتر ضمیرها به «ل» تبدیل می شود. لَهُ - لَهَا - لَكُمْ - لَنَا در «لی» اینگونه نیست.

نکته ۷) ل- بر سر اسم و ضمیر نیز داخل می شود که معنای مختلفی دارد

الف) «لِ» به معنای «مال- از آن» مانند «لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ»؟ آن سیم کارت مال کیست

ب) «لِ» به معنای داشتن : «لِي شَهَادَةٌ فِي الْحَاسِبِ» یعنی مدرک رایانه دارم.

ج) «لِ» به معنی برای : اِشْتَرَيْتُ حَقِيْبَةً لِّلسَّفَرِ = چمدانی برای سفر خریدم.

نکته ۸) حرف «لِ» پس از حرف هایی مانند «و- ف» معمولاً ساکن می شود

ف+ لِ + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ : پس باید انجام دهد

نکته ۹) حرف اَمْ را با لِمِ اشتباه نگیرید.

لِمَ تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ چرا به مدرسه می روی

لَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ = به مدرسه نرفت.

تست درس ششم

(۱) النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَا تَوَا انْتَبَهُوا

(۱) مردم خوابند ، پس هرگاه بمیرند هشیار می شوند

(۲) مردم خفتگان اند ، چون مردند متوجه می شوند

(۳) مردم خواب آلود هنگامی که بمیرند بیدار می شوند

(۴) مردم در خوابند تا زمانی که بمیرند، پس بیدار میشوند

(۲) «دکتر شیمیل وُلِدَتْ فِي آلمَانِيَا وَكَانَتْ مِنْذُ طِفْلُوئِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ»

(۱) دکتر شیمیل در آلمان متولد شد و از زمان کودکی به چیزهایی که به شرق مرتبط بود اشتیاق داشت

(۲) دکتر شیمیل متولد آلمان در زمان کودکی اش، به هر چیزی که به شرقی ها مرتبط بود اشتیاق داشت

(۳) دکتر شیمیل در آلمان متولد شد و از زمان کودکی اش به هر چیزی که به شرق ارتباط دارد مشتاق بود

(۴) دکتر شیمیل در آلمان متولد شده است و اشتیاق زیادی دارد به آنچه که به شرق مرتبط است

(۳) «لَمْ يَتَكَلَّمْ هَذَا الْخَطِيبُ فِي مُحَاضَرَتِهِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ بِكُلِّ طَلَاقَةٍ»

(۱) این سخنران در سخنرانی خودش با شیوایی تمام به زبان عربی صحبت نکرد

(۲) این سخنران در مصاحبه اش با شیوایی تمام به زبان عربی صحبت نمی کند

(۳) این سخنران نتوانست در سخنرانی اش به شیوایی به زبان عربی صحبت کند

(۴) این سخنران معروف در مصاحبه اش با شیوایی تمام به زبان عربی صحبت نخواهد کرد

(۴) عَيْنُ الصَّحِيحِ :

(۱) لَنْ يَنْحَسِرَ الْمُؤْمِنُ عَلَى أَيَّامٍ لَا تَرْجِعُ : مومن به خاطر روزهایی که بر نمی گردد حسرت نخورد

(۲) لِيَرْجِعَ الْمُؤْمِنُ إِلَى الْوَرَاءِ حَتَّى يَرَى أَعْمَالَهُ : مومن باید به پشت سر خود برگردد تا کارهای خود را ببیند

(۳) لَمْ يَرْجِعِ الْمُؤْمِنُ إِلَى سَبِيلٍ لَا يُحِبُّهُ اللَّهُ : مومن به راهی که خداوند دوست ندارد برنخواهد گشت

(۴) لَا يَرْجِعُ الْمُؤْمِنُ إِلَى خَطَا إِرْتِكَبَهُ مِنْ قَبْلِ : مومن نباید به خطائی که از قبل انجام داده برگردد

(۵) عَيْنُ مَا يَخْتَلَفُ فِي الْمَفْهُومِ :

(۲) كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عَقُولِهِمْ

(۱) إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامَ

(۴) الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ

(۳) خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ

٦) «..... الكِبَارَ حَتَّى..... نَا الصَّغَارُ» عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاعِ

١) لِنَحْتَرِمَ - يَحْتَرِمُ ٢) لِنَحْتَرِمَ - يَحْتَرِمُ ٣) لِنَحْتَرِمَ - يَحْتَرِمُ ٤) لِنَحْتَرِمَ - أَحْتَرِمَ

٧) «المومنونَ لم بالألقاب السيئة» عين المناسِبِ للفراعِ

١) يَتَنَابَزُ ٢) يَتَنَابَزُوا ٣) يَتَنَابَزَنَ ٤) يَتَنَابَزُونَ

٨) عَيْنِ «اللام» الامر :

١) أسافر الى ذلك البلد لأفئس عن موضوع مهم

٢) لتعليم هذا الدرس عليك أن تتعلمه جيداً

٣) ليعتمد المومن على نفسه و لا ينتظر الاخرين

٤) أرسل الله الانبياء لتومنوا به و برسوله

٩) عين «لا» النافية

١) «ألا تحبون أن يغفر الله لكم» ٢) لا تأسن من رحمة الله

٣) لا ترفعوا اصواتكم فوق صوت النبي ٤) «لا تجزن إن الله معنا»

١٠) «..... المومنون على الله في حياتهم» عين الصحيح للفراعِ :

١) لِيَتَوَكَّلَ ٢) لِيَتَوَكَّلُوا ٣) لِيَتَوَكَّلَ ٤) لِيَتَوَكَّلُونَ

١١) عين الصحيح للفراعِ : «هو الى المدرسة عدأ»

١) لم يذهب ٢) لن يذهب ٣) كان يذهب ٤) ما ذهب

١٢) عين «لا» الناهية :

١) «لا يتخذ المومنون الكافرين اولياء»

٣) لا نذهب الى مشهد المقدسة

٢) هولاء الطالبات لا يذهبن الى المدرسة

٤) يجب على الطالب أن لا يقطع كلام المعلم

١٣) - عين اللام التي تختلف عن الباقي :

١) قام التلميذ من مكانه لتكريم المعلم

٣) «ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج»

٢) ذهب المومنون الى المسجد ليعبدوا الله

٤) يساعد المعلم تلاميذه ليفهموا الدرس جيداً

١٤) - «..... الكِبَارَ حَتَّى..... نَا الصَّغَارَ» عين المناسِبِ للفراعِ

١) لِنَحْتَرِمَ - يَحْتَرِمُ ٢) لِنَحْتَرِمَ - يَحْتَرِمُ

٣) لِنَحْتَرِمَ - يَحْتَرِمُ ٤) لِنَحْتَرِمَ - يَحْتَرِمُ

١٥- في أي عبارة جاء «اللام» للأمر ؟

- ١) إنَعَدَّتْ مراسيمُ خطة التكريم لِيَتَعَرَّفَ الآخرونَ الطالباتِ النشيطاتِ .
- ٢) نحنُ نتناولُ الرَّمانَ لتكوينِ ما نحتاجُ إليه في جسمه
- ٣) ذَهَبَ المؤمنونَ في المسجد ليعبدوا الله.
- ٤) المسلماتُ ليواجهنَّ حقائقَ الحياةِ المَرَّة

١٦- عين الصحيح في الفعل المضارع :

- ١) رَبِّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ
- ٢) عَلَيْنَا أَنْ لَا نَرْحَلَ
- ٣) المسلمونَ يحاولونَ أَنْ يَحَقِّقُوا أهدافهم
- ٤) اجْتَهِدْ لِيَتَنَجَّحَ و اعملِ الصالحاتِ كي تَفُوزَ

١٧- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ : « أَنَاإلى سوقِ الحَقَائِبِ فِي الِاسْبُوعِ المَاضِي »

- ١) ما سافرتُ
- ٢) لا أسافرُ
- ٣) لَنْ أُسَافِرُ
- ٤) لم يُسَافِرُوا

١٨- عَيْنُ الخَطَأِ عَنِ العِبَارَةِ التَّالِيَةِ : « عِدَاوَةُ العَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الجَاهِلِ »

- ١) عداوة : مبتدا
- ٢) الجاهل : مضاف اليه
- ٣) العاقل : خبر
- ٤) خير : خبر

١٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ : « تُعَدُّ مَارِي شَيْمِل مِنْ أَشْهَرِ المُشْتَرَقِينَ »

- ١) تُعَدُّ : فعل مضارع مبني للمعلوم ، مزيد ثلاثي
- ٢) أَشْهَرِ : فعل ماضٍ ، مبني للمعلوم – مزيد ثلاثي
- ٣) تُعَدُّ : فعل مضارع ، مبني للمعلوم – مجرد ثلاثي
- ٤) أَشْهَرِ : اسم – مفرد مذكر، مشتق ، اسم تفصيل

٢٠- عَيْنُ الخَطَأِ عَنِ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ : « هِيَ تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الفَارِسيَّة »

- ١) تَعَلَّمَتْ : فعل ماضٍ ، مبني للمعلوم – مزيد ثلاثي
- ٢) لُغَاتٍ : اسم ، جمع مكسر – نكره
- ٣) تَعَلَّمَتْ : فعل مضارع ، مبني للمعلوم – مزيد ثلاثي
- ٤) كَثِيرَةً : اسم – مفرد مونث - نكره

تست های چهار گزینه ای عربی یازدهم انسانی (کاردرمنزل)

درس ششم

عَيْنِ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ (۱-۸):

۱- فِي الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ أَسْرَ الدَّوْلَةَ الدِيكَتَاتُورِيَّةَ الْعِرَاقِيَّةَ كَثِيرًا مِنْ الْجُنُودِ الْإِيرَانِيِّينَ وَ لَمْ يَفْكَهُمْ."

الف) حکومت دیکتاتوری عراق در جنگ تحمیلی، بسیاری از سربازان ایرانی را به اسارت گرفت و آن ها را آزاد نکرد.

ب) بسیاری از سربازان ایرانی در جنگ تحمیلی توسط دولت دیکتاتوری عراق دستگیر شدند ولی آزاد نشدند.

ج) دولت دیکتاتور عراق سربازان ایرانی بسیاری را در جنگ تحمیلی اسیر کرد ولی آزادشان نکرد.

د) دولت دیکتاتوری عراق در جریان جنگ تحمیلی بسیاری از سربازان ایرانی را به اسارت گرفت و سپس آزادشان کرد.

۲- "كَانَ يُطْلَقُ الشَّرْطِيُّ بَعْضَ السُّجَنَاءِ الْأَبْرِيَاءِ وَ يُعِينُهُمْ."

الف) برخی زندانیان بی گناه توسط پلیس آزاد شدند و به آن ها کمک شد.

ب) بعضی از زندانیان گناهکار با کمک پلیس به آنان آزاد شدند.

ج) پلیس برخی زندانیان بی گناه را آزاد می کرد و به آنان یاری می رساند.

د) پلیس برخی زندانیان گناه کار را آزاد می کند و به یاریشان می رود.

۳- "لَا تَرَدُّ أَيَّ فَقِيرٍ خَائِبًا وَاحِمٍ عَرْضَهُ وَ فَرَّجَ عَنِ الْمَكْرُوبِ."

الف) آبروی هر فقیری را که نا امید شود حفظ کن و اندوهش را از بین ببر.

ب) فقیری که نا امید نشود از آبرویش می گذرد و اندوه را از بین می برد.

ج) هر فقیری نا امید نمی شود بلکه آبرویش را حفظ می کند و اندوهش را برطرف می کند.

د) هیچ فقیری را ناامید برنگردان و از آبرویش پشتیبانی کن و اندوه غمگین را رفع کن.

۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ: "ارْحَمُوا لِمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَافْتَقَرَ وَ الَّذِي كَانَ عَزِيْزًا فَاحْتَقَرَ بَيْنَ قَوْمِهِ."

الف) به ثروتمندی که به فقر دچار شد و عزتمندی که در میان قومش حقیر شد رحم کردند.

ب) به کسی که ثروتمند بود و سپس نیازمند شد و کسی که عزیز بود و سپس در میان قومش خوار شد، رحم کنید.

ج) هرکس که بعد از ثروت نیازمند شود و کسی که مورد احترام بوده و حقیر شود، نیازمند مهربانی است.

د) به نیازمندی که قبلاً ثروتی داشته و انسان حقیری که در میان خویشانش عزتمند بوده رحم کنید.

۵- عَيْنُ الْخَطَا.

- الف) لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ لِأَنَّهُمْ لَا يَقُولُونَ قَوْلًا صَادِقًا: نباید سخنشان تو را غمگین کند زیرا آنان راست نمی گویند.
ب) لَمْ يُطْعِمِ الطِّفْلَ لِأَنَّ الطِّفْلَ كَانَ يُعَانِي مِنْ حُمَّى شَدِيدَةٍ: به کودک غذا نداد زیرا کودک از تب شدیدی رنج می برد.
ج) لِنَعْرِفَ قَدْرَ عُلَمَائِنَا الْعِظَامِ وَ لَا نَنْسَاهُمْ: باید ارزش دانشمندان بزرگ خود را بدانیم و آنان را فراموش نمی کنیم.
د) أَعِينُونِي عَلَى شِدَائِدِ الدَّهْرِ لِأَنِّي مَا رَأَيْتُ أَجُودَ وَ لَا أَكْرَمَ مِنْكُمْ: در سختی های روزگار به من کمک کنید زیرا بخشنده تر و گرامی تر از شما ندیدم.

۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ.

- الف) فَلَنْتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ الْأُمُورِ: باید در تمام کارها به خدا توکل کنیم.
ب) لَمْ أَحْضُرْ فِي مَهْرَجَانِ أَفْلَامِ الْفَجْرِ فِي الْعَامِ السَّابِقِ: سال گذشته در جشنواره فیلم های فجر حاضر نشده بودم.
ج) لَهُ كِتَابٌ عَنْ أَسْبَابِ هَزِيمَةِ نَابِلْيُون: کتابی درباره علل پیروزی های ناپلئون دارد.
د) عَدَّ النَّبِيُّ صِفَاتَهَا لِيَتْرَكَوَهَا: پیامبر ویژگی های او را شمرد و باید او را رها کنند.

۷- عَيْنُ عِبَارَةٍ تَوْجَدُ فِيهَا كَلِمَتَانِ مُتَضَادَّتَانِ.

- الف) اِرْحَمُوا عَزِيزًا ذَلَّ وَ عَالِمًا ضَاعَ مِنَ الْجُهَالِ.
ب) أَسْلَمَتِ قَبِيلُهُ طِيَّءَ بَعْدَ إِطْلَاقِ أَسْرَاهُمْ.
ج) مَا رَأَيْتُ أَجُودَ وَ أَكْرَمَ مِنْهُ فِي مُلْكِهِ.
د) رَأَيْتُ خِصَالًا مِنْ هَذَا الرَّجُلِ تُعْجِبُنِي.

۸- عَيْنُ جَوَابًا كُلُّهُ مِنَ الْجُمُوعِ الْمُكْسَّرَةِ.

- الف) مَكْرُمَةٌ/خِصَالٌ/شِدَائِدٌ ب) أَعْرَاضٌ/أَسْرَى/أَصْفِيَاءٌ ج) أَصْفِيَاءٌ/مَكْرُوبٌ/كِبَارٌ د) مَكَارِمٌ/مُنْتَلٌ/جُوعٌ
إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۹-۱۲):

النُّصُوصُ الْأَدْبِيَّةُ الَّتِي قَدْ أَلْفَتْ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ - وَ هِيَ مِنَ الثَّرَاثِ - لَا تَعْتَبِرُ أَدْبًا عَرَبِيًّا بَلِ الْأَصَحُّ أَنْ نَعْتَبِرَهَا أَدْبًا إِسْلَامِيًّا. وَ السَّبَبُ يَعُودُ إِلَى أَنَّ الْإِيرَانِيِّينَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ مُؤَلَّفِيهَا اعْتَقَدُوا أَنَّ الْخُدُودَ الْجُغْرَافِيَّةَ الَّتِي تَفْصِلُ بَيْنَ الشُّعُوبِ لَيْسَتْ مَعْيَارًا لِتَعْرِيفِ "الْوَطَنِ"، بَلِ الْأَسَاسُ هُوَ الْفِكْرَةُ وَ الْعَقِيدَةُ. فَلِهَذَا

نَرَى أَنَّ حَامِلِي لُؤَاءَ (عَلَمٌ) الْأَدَبِ الْعَرَبِيِّ فِي الْقُرُونِ الْأُولَى كَانُوا مِنْ أَصْلِ فَارِسِيِّ. أَنْظُرُوا إِلَى آثَارِ فُحُولِ (نَامِدَارَانَ) الْأَدْبَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ فَشَاهَدُوا أَنَّهُمْ كَيْفَ

يَفْتَخِرُونَ بِإِنشَادِ الشَّعْرِ الْعَرَبِيِّ وَ الْإِسْتِفَادَةِ مِنَ الْمَفْرَدَاتِ وَ التَّرَاكِبِ الْعَرَبِيَّةِ!

٩- لماذا كان الإيرانيون يُنشدون بالعربية و يستفيدون من مفرداتها؟ لأنهم

الف) كانوا يريدون أن يُثبتوا قدرتهم العلمية.

ب) لم يشعروا أن اللغة العربية ليست منهم.

ج) وُلدوا في البلاد العربية و إن كانوا من أصل فارسي.

د) أحسوا أنها أسهل لهم و أفضل لترويج أشعارهم.

١٠- من معتقدات الإيرانيين أن

الف) اللغة العربية لا تختص بالبلاد العربية.

ب) أصحاب الأدب يجب أن يكونوا من أصل إيراني.

ج) الأشعار يجب أن تُنشد كلها باللغة العربية.

د) اللغة الفارسية يجب أن تتبدل إلى اللغة العربية.

١١- عيّن الصحيح.

الف) أصحاب اللغة العربية في زماننا هذا كلهم من أصل إيراني.

ب) يُعرف الأدب الفارسي بالأدب الفارسي و العربي فقط.

ج) الأدب الإسلامي هو الذي يُؤلف باللغة العربية و لا غير.

د) الحدود الحقيقية لوطن كل أمة هي الأفكار و القيم.

١٢- يدل النص على أن

الف) المسلمين أمة واحدة في جميع العالم.

ب) الحدود الجغرافية يجب أن تزول.

ج) الأدب الإسلامي هو نفس الأدب العربي.

د) أدباء العرب وُلدوا في المدن الإيرانية.

عيّن المناسب في الجواب (١٣-٢٠):

١٣- عيّن فعلاً يعادل الماضي المنفي.

الف) نحنُ لن نستطيع للحضور في الحفلة.

ب) يجبُ عليكم أن لا تخرجوا من المدرسة في هذا الوقت.

ج) ما كان التلميذ قد استمع كلام المعلم.

د) المؤمنون لم تلبسوا الحق بالباطل.

١٤- عيّن الّلام تذلُّ على الأمر.

الف) هم يريدون ليعبدوا إلهاً واحداً.

ب) و لا تقولوا لمن يُقتل في سبيلِ الله أمواتٌ بل أحياءٌ.

ج) ليجعل الإنسان قدرات المعوقين نصب أعينه لينجح في الحياة.

د) نذهبُ إلي المتجرِ لِشترِي سِروالاً أخضرَ.

١٥- عيّن لا الناهية.

الف) أنت غنيٌ و لكن لا تُطعم المساكين و الفقراء.

ب) لا تُبطلون صدقاتكم باليمن و الأذى

ج) إنه لا يرجع إلى الجامعة لإستمرار الدراسة.

د) لا يتكاسل التلميذ في هذا الدرس لأن الامتحان قريبٌ.

۱۶- عَيْنِ عِبَارَةً لَا تَجِدُ تَغْيِيرًا فِي أفعالِهَا الْمُضَارِعَةِ.

الف) لَيْكُنْ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ إِلَيْكَ الصَّلَاةُ وَ يَعْمَلُهَا.

ب) لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةً.

ج) لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.

د) يَقُولُونَ لَهُنَّ لَيَقُلْنَ حَقًّا وَ لَوْ كَانَ مُرًّا.

۱۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاعَيْنِ: "ظَنَنْتُ أَنَّهُ يَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ فَلَمْ إِلَيْهِ وَ لَكِنْ هُوَ يَقُولُ أَنْ لَنْ

..... بَعْدَ الْيَوْمِ أَبْدًا."

الف) أَلْتَفِتَ - يَكْذِبُ ب) أَلْتَوْتُ - يَكْذِبُ ج) أَلْتَوْتُ - يَكْذِبُ د) أَلْتَوْتُ - يَكْذِبُ

۱۸- عَيْنِ اللَّامِ الَّتِي تَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي.

الف) لِي مُعْجَمٌ عَنِّي فِي الْمَفْرَدَاتِ الْمُعْرَبَةِ.

ب) انْعَقَدَ مَراسِيمٌ لِتَكْرِيمِ أَساتِذِنَا.

ج) يَجِبُ عَلَيْنَا الرُّجُوعُ لِلتَّفَاسِيرِ لِفَهْمِ الْقُرْآنِ.

د) لِنَفْهَمَ أَنَّ لُغَةَ الْقُرْآنِ مِنْ أَغْنَى لُغَاتِ فِي الْعَالَمِ.

۱۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ "لَا تُصَعِّرْ" فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: " لَا تُصَعِّرْ خُذْكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ."

الف) لِلْغَائِبَةِ ب) بِمَعْنَى الْمَضَارِعِ الْإِخْبَارِي ج) الْفِعْلِ الْمَضَارِعِ د) الْمَضَارِعِ الْمَنْفِي

۲۰- كَيْفَ تَنْفِي أفعالَ هَذِهِ الْعِبَارَةِ: "كَلَّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَرْتَكِبَ ذَنْبًا، يَمْتَنِعُ عَنْهُ."

الف) مَا أَرَادَ- أَنْ لَا يَرْتَكِبَ - لَا يَمْتَنِعُ

ب) لَا أَرَادَ- أَنْ لَمْ يَرْتَكِبَ- مَا يَمْتَنِعُ

ج) مَا أَرَادَ- أَنْ لَمْ يَرْتَكِبَ - لَمْ يَمْتَنِعُ

د) لَا أَرَادَ- أَنْ لَا يَرْتَكِبَ- لَا يَمْتَنِعُ

تست های کنکور کتابهای قدیم متناسب با درس ششم

عَيْن الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ

۱) «العالم يقوم بالعمل و لن يستطيع احد أن يفر من هذه السنّة الإلهية، أنت أيضاً إن تدرکها تفر» (ریاضی ۹۲)

۱) دنیا با کار و فعالیت اداره می شود و هیچ کس از این سنت خدایی فرار نخواهد کرد، تو نیز چنانچه آن را درک کنی پیروز می شوی.

۲) عالم بر کاربرپاست، و هیچ کس نخواهد توانست از این سنت الهی رهایی یابد تو نیز اگر آن را درک کنی رستگار می شوی.

۳) هستی قائم بر کار است و احدی نتوانسته است از این قانون الهی نجات یابد و تو نیز اگر درکش کردی پیروز خواهی شد.

۴) جهان بر پایه ی کار استوار است احدی نمی تواند از آن رهایی یابد البته اگر تو آن را بفهمی رستگار خواهی شد.

۲ « يجب أن ننظر في عيوب أنفسنا حتى نغفل عن عيوب الآخرين، لأن من ينظر في عيوب الناس ينس عيوب نفسه. (سراسری تجربی ۸۹)

۱) فقط باید عیوب خود را ببینیم زیرا اگر به عیوب مردم نگاه کنیم قطعاً عیب های خود را فراموش می کنیم.

۲) نگرستن در عیوب خود غفلت از عیب های دیگران است زیرا کسی که عیوب مردم را نگاه می کند خود را فراموش کرده است.

۳) باید در عیب های خود بنگریم تا از عیب های دیگران غافل شویم زیرا هرکس در عیب های مردم بنگرد عیب های خود را فراموش می کند.

۴) لازم است در عیب های خود بنگریم تا این که از عیب های دیگران غافل شویم زیرا نگاه کردن در عیب های مردم فراموش کردن عیب خود است.

۳) «نَحْنُ سَنَذِيبُ مَعَ قَائِدِنَا إِلَى الْقِتَالِ وَ لَنْ نَتْرَكَهُ وَحِيداً فِي الْوَقْتِ الْحَرَجِ» (سراسری ریاضی ۹۳)

۱) با رهبر خویش به نبرد رهنسپار می شویم و او را در زمان سختی ترک نمی کنیم

۲) به همراه فرمانده برای مبارزه خواهیم رفت و هرگز او را در وقت دشواری رها نمیکنیم

۳) ما همراه فرمانده خود به نبرد خواهیم رفت و هنگام سختی او را تنها ترک نخواهیم کرد

۴) ما با رهبر خود به میدان جنگ می رویم و او را در زمان دشواری تنها رها نخواهیم کرد.

۴) «الذین قد عرفوا بأخلاقهم الكريمة لم يُضَيِّعُوا عَمْرَهُمْ وَ تَوَصَّلُوا إِلَى حَقِيقَةِ الْحَيَاةِ»

۱) آن ها که اخلاق کریمه ی خود را شناخته و بدان مشهور شدند، عمر را ضایع نکرده به زندگی حقیقی دست می یابند.

۲) کسانی که به اخلاق کریمه شان شناخته شده اند، عمرشان را تباه نکرده اند و بر حقیقت زندگی دست یافته اند.

۳) آنان که به اخلاق کریمه ی خود شهره هستند عمرشان را از بین نبرده اند و حقیقت زندگیشان را دریافته اند.

٤) آن ها که اخلاق کریمه ی خویش را شناختند، عمرشان تلف نشده و حقیقت زندگی را واقعا در می یابند.

٥) «لم أدع الاجتهاد فی دروسی فلهدا تقدمت علی الآخرين و أصبحت إنساناً ناجحاً» (سراسری زبان ٩١)

١) تلاش در درسهای هرگز ترک نشده است لذا از دیگران جلو افتادم و انسان موفق شدم

٢) کوشش من در درسهای آنها نشد بخاطر آن بر دیگران برتری یافتم و انسان موفق گردیدم

٣) کوشش خود را در درسهای آنها نکردم بنابراین از دیگران سبقت گرفتم و انسانی موفق شدم

٤) تلاش را در درسهای آنها نکردم بدین سبب بر دیگران پیشی گرفتم و انسان موفق گردیدم.

٦) **عین الخطأ**: (سراسری خارج از کشور ٩٢)

١) يجب علينا أن ندرک قيمة الوقت فی جميع الأوقات : باید ارزش وقت را در همه ی اوقات بفهمیم.

٢) أعلمتم أن أفضل المصاحب فی حياة الإنسان هو الكتاب : آیا می دانید که برترین همنشین در زندگی انسان کتاب است

٣) لا تحصل الراحة المطلوبة فی المجتمعات البشرية إلا بالجهد الكثير : راحتی مطلوب در جوامع بشری فقط با تلاش بسیار به دست می آید

٤) أكثر الناس قد تعودوا علی الازدحام و لا يستطيعون أن يجلسوا وحدهم فی الهدوء: بیشتر مردم به شلوغی عادت کرده اند و نمی توانند به تنهایی در آرامش بنشینند.

٧) **عین الخطأ**: (سراسری زبان ٨٩)

١) الظلم علی الضعیف أقیح الظلم، و هذا العمل مذموم: ظلم بر ضعیف، زشت ترین ظلم است و این کار ناپسند است

٢) الزاهدون یجتنبون الخطیئات، و هولاء محبوبون عندالله: زاهدان از خطاها دوری می کنند، و این ها پیش خدا محبوبند.

٣) الناس یذنبون و قلیلٌ من هولاء المذنبین یتوبون: مردم گناه می کنند و عده ی کمی از اینها گناهکارانی هستند که توبه می کنند.

٤) یعبد العابدون الله فی الیل المظلم و هذا اللیل کالسترلهم: عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می کنند و این شب پوششی برای آن هاست.

٥) **عین الخطأ فی الأفعال**: (سنجش اردیبهشت ٩٢)

١) عزم الكتاب أن یعلموا الآخرين أسلوب کتابتهم! ٢) علیکم أن تعیشون باحترام و تكونون قدوة للآخرین!

٣) سافر صدیقای حتی یزورا والدیها فی مدینتهما! ٤) وقفت المعلمات لیتحدثن حول هذه المسألة العلمیة!

٦) **عین اللام الجازمة**: (سنجش آذر ٩١)

١) إن یمکن فافتح النافذة قلیلاً لیتغیر هواء الغرفة!

٢) علینا أن نتعلم اللغة العربیة لنستطیع أن نتکلم بها!

٣) بُعث الأنبياء ليهدوا أبناء البشر إلى الصراط المستقيم!

٤) إن أراد أحد أن يهتدي إلى الصراط المستقيم فليتبع القوانين الدينية!

٧) عَيْن «ما» الجازمة: (سنجش خرداد ٩٣)

١) علّمت تلميذاتي في الصّف كلّ ما عندي من المعلومات العلميّة!

٢) ما تجاوز الأعداء ثغورنا بسبب شجاعة مجاهديننا الأبطال!

٣) قلت لصديقتي: ما تقعلي من أعمال الخير تُشاهدي ثمرتها في الآتي!

٤) قصدت أن أرسل أبنّي إلى هذه المدرسة و سألته ما رأيك حول هذا الأمر!

٨) عَيْن الماضي ليس في محلّ جزم: (سنجش بهمن ٩٢)

١) إن عرف الإنسان حقيقة وجوده رأى عظمة خالقه فيه!

٢) قال لي: إن تعلّمت اللّغة العربيّة بدقّة فهمت كلام الله جيّداً!

٣) من أعطى علمه الآخرين انتفع نفسه به كثيراً بسبب نشره!

٤) هو من كان قاضي هذه المدينة و حكم بين النّاس بالعدل و الحقّ!

٩) «لَمَّا دَخَلْنَا الصَّف قَلتْ لَصَدِيقَتِي لِنَجْلِسَ فِي الأمام نَسْمَعُ كَلامَ الأُسْتاذة جَيِّداً!». عَيْن الصحيح في نوع اللّامات الثلاث: (سراسرى هنر ٩٣)

٢) ناصبة/ جازمة/ حرف الجرّ

١) جازة/ جازمة/ ناصبة

٤) حرف الجرّ/ لام الأمر/ جازمة

٣) جازة/ ناصبة/ لام الأمر

١٠) عَيْن المضارع مجزوم: (تجربى ٨٢)

الف) لا تحضرين ب) كيف تحضرين ج) لم تحضرى د) لئن تحضرى

١١) کدام جمله شرطی نیست؟ (آزاد تجربى ٧٧)

الف) و ما تفعلوا من خير يعلمه الله ب) و ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عندالله

ج) و ما تنفقوا من شىءٍ فى سبيل الله يُوفّ لكم د) و ما هذه الحياة الدنيا إلا لهو و لعب

١٢) کدام مضارع مجزوم صحيح است؟ (آزاد انسانی ٨٤)

الف) لم يذُقن ب) لم تذقون ج) لم تذوقين د) لم تذوقان

١٣) کدام گزینه برای عبارت «على الوقت.....» مناسب است (آزاد انسانی ٨٤)

الف) تحرصوا ، تنجحوا ب) تحرصون ، تنجحون ج) تحرصوا ، تنجحون د) تحرصون ، تنجحوا

١٤) «التلاميذ في اداء واجباتهم» كدام كزينة برأى اين عبارت صحيح است؟ (آزاد تجربى ٨٤)

الف) لم يقصرون (ب) لم يقصروا (ج) لم يقصروا (د) لم تقصروا

١٥) عَيْن الخطأ: (آزمایشی سنجش ٨٢)

الف) من لم يكذبون في كلامهم يفوزون في الحياة (ب) من يحفر بئراً لغيره يقع فيها

ج) إن تصدقن في حياتكن تنجحن فيها (د) إن تتكاسل الطالبية في الدرس لا تنجح في الامتحان .

١٦) عَيْن «لام» الناصبة:

١) قالت المعلمة في المجلس: لتجتهد الطالبات في سبيل العلم.

٢) ذهب الأطفال إلى الحديقة الخضراء ليشاهدوا جمالها.

٣) بعد بضعة أيام خرجت العصفورة من عشها لطلب الرزق.

٤) لئرسل هذه الكتب القيمة إلى المكتبة العامة.

١٧) عَيْن اللام ناصبةً: (سراسرى هنر ٨٩)

١) لنعرف ما حولنا حتى نتسلط على أنفسنا و على أعمالنا!

٢) يقول لنا الأستاذ إننا نأمل غداً مشرقاً لشعبنا فلنحاول لذلك!

٣) صحبنا أصدقاءنا إلى القاعة الكبرى لنشارك في فرحة العيد!

٤) تتهياً المدرسة للاحتفال الكبير كما جرت عليه العادة كل عام!

١٨) عَيْن اللام ناصبةً: (سراسرى هنر ٨٨)

١) المسلمات ليواجهن حقائق الحياة المرة بالتفائل!

٢) نحن نتناول الرمان لتكوين الكريات الحمراء في بدننا!

٣) يا بناتي؛ كلمن الفائزات في المسابقة لتفهمن سر نجاحهن!

٤) لو كنت تتحمل المصاعب و تتجرع الآلام الكثيرة لوصلت إلى هدفك!

١٩) عَيْن حرف اللام الجازمة: (سراسرى رياضى ٨٧)

١) ليعتمد المؤمن على نفسه و لا يُحاك الآخرين! (٢) أسافر إلى ذلك البلد لأفتش عن موضوع مهم

٣) أرسل الله الأنبياء لتؤمنوا به و برسوله! (٤) لا تنو بيع المحاصيل لتزداد ثروتك!

٢٠) عَيْن الخطأ للفراغين: إن على الحسنات إلى الله! (رياضى ٩٣)

١) تحرصن/ تتقربن (٢) تحرصا/ تتقربا (٣) تحرصوا/ تتقربوا (٤) يحرصان/ يتقربان